

جولان شهید

پنجشنبه ۵ مهر ۱۴۰۳
شماره ۴۳۳۷
<div><div><div>ف<div><div>فارحک هتگان</div></div></div></div></div>
FARHIKHTEGANDAILY.COM
<div><div><div>ف<div><div>فارحک هتگان</div></div></div></div></div>
FARHIKHTEGANONLINE



حانیه قاسمیان خبرنگار گروه جهان‌شهر

پس از غزه، نوبت به لبنان رسید. حملات هوایی رژیم صهیونیستی تنها در روز دوشنبه باعث شهادت ۵۸۸ نفر و زخمی شدن بیش از یک هزار نفر شد. به نظر می‌رسد اتفاقاتی که از روز سه‌شنبه هفته گذشته با انفجار پیجرها در لبنان آغاز شد، نه سقف تحولات بلکه شروع تنش‌ی جدی باشد؛ همان‌طور که در غزه رخ داد. به مانند جنگ در فلسطین، رسانه‌ها هر روز آمار کشته‌شدگان لبنان را با نمودارها نمایش خواهند داد. کشورهای دیگر با بیانیه‌هایی سطحی این حملات رامحکوم خواهند کرد، سازمان ملل ناتوانی خود را به دلیل فشارهای آمریکا وانگلیس آشکار خواهد ساخت و رژیم صهیونیستی کشوری دیگر را به ویرانی خواهد کشاند. جنگ با لبنان اما تفاوت‌هایی نیز نسبت به غزه دارد. مقاومت اسلامی لبنان به جهت استعداد و کیفیت نیروی انسانی و تسلیحات نظامی با غزه قابل مقایسه نیست و از حمایت مستقیم محور مقاومت بهره می‌برد؛ به‌گونه‌ای که خبرها حکایت از استقرار هزاران نظامی توسط محور مقاومت در جنوب سوریه برای حمله احتمالی به جولان اشغالی دارند.

دیگر حرفی و تشریح برای جهانی که با بی‌تفاوتی شاهد این فجاج است، باقی نمانده است. اما باید پرسشی هولناک برای کشورهای منطقه طرح شود: «جنگ تا کجا قرار است کشیده شود؟»

جنگی که همه کلیشه‌ها را شکست

جنگ صهیونیست‌ها در غزه به‌زودی به یک سالگی خود می‌رسد. بنابراین، این جنگ طولانی‌ترین جنگ عربی-صهیونیستی از زمان تأسیس رژیم صهیونیستی در ۱۹۴۸ محسوب می‌شود. این جنگ چندین کلیشه کلاسیک در مورد ماهیت جنگ‌های عربی -صهیونیستی را نیز زیر سؤال برده است. یکی از این کلیشه‌ها این است که دولت رژیم صهیونیستی نمی‌تواند در جنگ‌های طولانی مدت شرکت کند و ساختار نظامی و اجتماعی آن برای مبارزه با جنگ‌های مشابه آماده نیست. واضح است که با وجود اینکه ارتش رژیم صهیونیستی جنگ را در چندین جبهه ادامه می‌دهد و نشانه‌های خستگی در عملکردش دیده می‌شود، هنوز دچار فروپاشی نشده است. بنابراین، لازم است دیدگاه‌هایی که می‌گویند ارتش رژیم صهیونیستی نمی‌تواند یک جنگ گسترده دیگر را در حالی که هنوز درگیر جنگ با غزه است، ادامه دهد، بازنگاری شود.

این جنگ همچنین کلیشه ناتوانی یک نیروی مقاومت غیردولتی و فاقد حمایت مستقیم از یک کشور را زیرسؤال برد. در ابتدای جنگ در غزه، باورُردها این بود که مقاومت فلسطینی شاید بتواند به مدت سه یا شش ماه در برابر ارتش رژیم صهیونیستی ادامه دهد، اما آنچه پس از گذشت حدود دو سال از جنگ روشن شده این است که قابلیت‌ها و اراده مقاومت فلسطینی در غزه به‌هیچ‌وجه کاهش نیافته است. مردم غزه با ثبات استثنایی، سختی‌های جنگ و خسارات آن را تحمل می‌کنند و احتمال مهاجرت جمعی آنها کاهش یافته است. آنچه برای غزه صدق می‌کند، برای کرانه باختری و لبنان و جنوب آن نیز صدق می‌کند. رژیم صهیونیستی، از زمان تأسیس خود، موجودیتی است که نمی‌تواند با تهدید کنار بیاید و می‌تواند با سازش یا تهدید رانمی‌پذیرد. هرچه تهدید به مرزهایش نزدیک‌تر باشد، برای او خطرناک‌تر و نیازمند از بین بردن آن است. اگر شکست استراتژیک تل‌آویو در غزه و لبنان (و همچنین یمن) در نظر گرفته شود، به علاوه منافع سیاسی خاص نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی، به‌نظر می‌رسد که این جنگ به‌زودی متوقف نخواهد شد و در مسیر گسترش قرار دارد؛ خواه زودتر و خواه دیرتر. ممکن است جنگ به شکل متفاوتی از یک مرحله به مرحله دیگر و از یک جبهه به جبهه دیگر پیش‌بیش برود، اما به احتمال زیاد به یک جنگ طولانی تبدیل شده است.

موفقیت‌های تاکتیکی، شکست استراتژیک

دولت نتانیاوو در ابتدای جنگ غزه اهداف استراتژیک روشنی تعیین کرده بود، هرچند که تحقق آنها به نظر غیرممکن می‌رسید؛ ناپود کردن قابلیت‌های مقاومت فلسطینی در غزه و وارد کردن شکست کامل به آن، بازپس‌گیری امرای صهیونیستی در دست غزه و جلوگیری از بازگشت حماس به حکومت غزه به‌طور قطعی. در جبهه شمالی که بافواصله کم از آغاز حمله رژیم صهیونیستی به غزه شعله‌ور شد و حزب‌الله هدف آن را حمایت از مقاومتان در غزه اعلام کرد. هدف رژیم صهیونیستی بازگشت آوارگان شهرها و روستاهای شمال به خانه‌هایشان بود. این هدف در طول ماه‌ها جنگ به‌طور ضمنی و تصریحی توسط مقامات صهیونیستی مطرح بود تا اینکه یک روز قبل از موج انفجارهای شبکه ارتباطات حزب‌الله به‌طور رسمی در شورای وزیران پذیرفته شد. با این وجود در هر دو جبهه، صهیونیست‌ها تاکنون در تحقق اهداف جنگ ناموفق بوده‌اند.

در غزه، نیروهای مقاومت، به‌ویژه گروه‌های وابسته به حماس، پس از نزدیک به یک سال از آغاز جنگ، همچنان قادر به مقابله با نیروهای صهیونیستی‌اند. هر زمان که صهیونیست‌ها به مناطق دیگری در شهرها، روستاها و اردوگاه‌های غزه وارد می‌شوند، ضرباتی قابل توجه از مقاومت دریافت کرده‌اند. صهیونیست‌ها تنها در موارد معدودی توانسته‌اند اسیر زنده‌ای را بازپس‌گیرند و دیگر شکی وجود ندارد که حملات نیروهای صهیونیستی منجر به کشته‌شدن تعداد زیادی و شاید ده‌ها نفر از اسرای آنها شده است. به علاوه، با وجود کمبود اطلاعات، رسانه‌های صهیونیستی، که به احتمال زیاد به منابع امنیتی متکی‌اند، تأیید می‌کنند که نیروهای مقاومت فلسطینی به‌طور فعال در حال بازسازی یگان‌های خود در مناطق مختلف غزه‌اند. مهم‌تر از همه، بسیاری از دستگاه‌های دولتی و شهرداری به محض خروج نیروهای صهیونیستی از مناطق مورد تهاجم، دوباره هرچند به‌صورت جزئی به کار خود ادامه می‌دهند با وجود خسارات عظیم جنگ به کارکنان و تجهیزات این دستگاه‌ها.

اسرائیل قصد دارد جنگ منطقه‌ای را به شکل مرحله‌ای و تدریجی ایجاد کند

برنامه آینده جنایت‌کار چیست؟



در جبهه شمالی، تعداد حملات صهیونیست‌ها در طول یک‌سال از جنگ، بیشتر از تعداد حملات حزب‌الله و متحدانش بوده است؛ به نسبت شصت به چهل درصد. شهرها و روستاهای جنوبی لبنان بمباران شدند، درست مانند شهرها و روستاهای غزه. لبنان همچنین تحت فشارهای سیاسی و دیپلماتیک زیادی از سوی ایالات متحده و کشورهای اروپایی قرار گرفت، اما همه این مسائل تاکنون به جدا شدن جبهه شمال از غزه یا بازگشت امن آوارگان صهیونیستی به شهرها و روستاهای خود در شمال رژیم صهیونیستی منجر نشده است.

البته رژیم صهیونیستی موفق به ترورده‌ه‌ا نفر از نیروهای مقاومت فلسطینی در غزه شده و به احتمال زیاد تعداد مشابهی از مقامات دستگاه‌های امنیتی، خدمات شهری و بهداشتی و آموزشی را نیز به شهادت رسانده است. اما به احتمال زیاد برآوردهای ارتش رژیم صهیونیستی مبنی بر کشته‌شدن بیش از بیست هزار نفر از مجاهدان القسام بسیار اغراق‌آمیز است. تنها موفقیتی که جنگ صهیونیست‌ها در غزه کسب کرده است، ناپودی تصادفی، سیستماتیک و گسترده شهرها، محله‌ها و اردوگاه‌ها و کشتن ده‌هزار غیرنظامی است که اکنون از سوی نهادهای بین‌المللی و انسانی به‌عنوان نسل‌کشی توصیف می‌شود و ارتباطی ضعیف با اهداف جنگ دارد. از سوی دیگر، در جبهه شمالی، ضربات صهیونیست‌ها منجر به ترور یا کشته‌شدن صدها نفر از کادرای نظامی حزب‌الله و متحدانش و ده‌ها نفر از رهبران این گروه شده است. به عبارت دیگر، در مقابل موفقیت‌های تاکتیکی محدود و روش‌های جنگی نسل‌کشی، هنوز شکست در تحقق اهداف استراتژیک جنگ، در غزه و لبنان، گریبانگیر رهبران جنگ صهیونیستی است.

هدف اسرائیل؛ یک نسل‌کشی دیگر در لبنان

در طول حدود یک‌سال، استراتژی جنگ‌فرسایشی رژیم صهیونیستی در بازداشتن حزب‌الله و مجبور کردن آن به کنار گذاشتن شرط آتش‌بس در جبهه شمالی پایمان جنگ در غزه و عقب‌نشینی نیروهایش به پشت دروازه‌لبنانی ناکام بوده است. اکنون بنیامین نتانیاوو، نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی، از این شکست و نیاز به بازگرداندن ساکنان به شمال برای مشروعیت‌بخشی داخلی و خارجی به تصمیمش برای گسترش جنگ در لبنان استفاده می‌کند و ممکن است به بهانه از بین بردن تهدید حزب‌الله این جنگ را به جنگی فراگیر تبدیل کند که شامل تهاجم زمینی باشد. اما بسیاری در داخل و خارج از رژیم صهیونیستی متوجه‌اند که اهداف آینده نتانیاوو در لبنان – مانند غزه – در واقع فراتر از اهدافی است که به افکار عمومی رژیم صهیونیستی و جهان اعلام می‌شود.

نتایج یک سال جنگ و ریزانگ رژیم صهیونیستی علیه نوار غزه نشان می‌دهد که اهدافی که نتانیاوو تعیین کرده، با استراتژی‌ای که در میدان به کار برده، تفاوت قابل توجهی دارد.

همان‌طور که اهدافی نظیر نابودی حماس، بازگرداندن گروگان‌ها و جلوگیری از تبدیل غزه به یک تهدید آینده، در واقع پوششی برای پروژه خارج کردن نوار غزه از معادله منازعه از طریق کشتار جمعی، تخریب گسترده و آوارگی و همچنین تلاشی برای تغییر وضعیت در کرانه باختری بود. اهداف اعلام‌شده کنونی مانند پایان دادن به تهدید حزب‌الله در جبهه شمالی و بازگرداندن مهاجران نیز تنها پوششی برای هدف بزرگ‌تر است؛ هدفی که می‌تواند شامل تلاش برای نابودی مقاومت حتی از طریق تهاجم زمینی به لبنان و بازپس‌گیری برخی از سرزمین‌های آن به‌عننوان بخشی از پروژه ایجاد منطقه حائل در طول نوار مرزی با عمق چندین کیلومتر باشد. رژیم صهیونیستی از ماه‌هایش از طریق تخریب گسترده و نظام‌مند روستاهای مرزی لبنان، به این پروژه پرداخته است تا ساکنان این مناطق را وادار به ترک دائمی خانه‌هایشان و نته‌آوارگی موقت کند.

هزینه گزاف جنگ با حزب‌الله

بدون شک هزینه‌های مربوط به اهداف رژیم صهیونیستی در لبنان به‌هیچ‌وجه قابل مقایسه با هزینه‌های جنگ در غزه نیست. این موضوع به سه دلیل مرتبط است؛ نخست اینکه زرادخانه عظیم نظامی حزب‌الله قادر است به رژیم صهیونیستی آسیب سی سابقه‌ای وارد کند، به‌ویژه زمانی که این جنگ فراگیر شود. دوم اینکه چنین جنگی به‌راحتی می‌تواند به یک جنگ منطقه‌ای

عملیات رژیم صهیونیستی در نوار غزه، مقامات صهیونیست شروع به صحبت درباره عملیات‌های ویژه در عمق لبنان کرده‌اند.

تمام خطوط قرمز نقض شده و قواعد دیگری شکسته شده‌اند. اوضاع به سوی وخامت بیشتری می‌رود، شواهد نشان می‌دهد سوریه در دوران تصمیم‌گیری درخصوص جهت‌گیری بر مبنای تحولات آتی قرار دارد. جبهه جولان همچنان تحت معادله «فک‌الاشتباک» قرار دارد که در سال ۱۹۷۲ امضا شد؛ با اینکه برخی حملات ازجمله شلیک سسی موشک توسط گروه‌های هم‌پیمان با حزب‌الله به جولان اشغالی رخ داده است. خودداری سوریه از مداخله ممکن است باسختی به درخواست متحدانش باشد یا به دلیل شرایط ناپسامان سوریه پس از جنگ داخلی و تحریم‌های اقتصادی شدید آمریکاتحت قانون «سزار». با این حال به‌نظر می‌رسد محور مقاومت می‌خواهد جبهه‌های جدیدی را علیه رژیم صهیونیستی باز کند، به‌ویژه پس از آنکه نتانیاوو، از تصمیمش برای گسترش جنگ در لبنان به تمامی مناطق خبر داد. بنابراین ورود سوریه دیگر یک انتخاب نیست، بلکه تصمیمی است که باید اجرا شود. آیا اکنون زمان بازکردن این جبهه است یا اینکه حزب‌الله از ذخایر موشکی خود بدون توجه به محل ساخت آنها استفاده می‌کند؟

جولان یا الحلیل؟

رسانه‌های صهیونیستی می‌گویند تل‌آویو نگران حمله ده‌هزار نیروی عضو محور مقاومت به سرزمین‌های اشغالی از سمت منطقه جولان است. طی هفته‌های گذشته خبرهایی منتشر شد که حکایت از استقرار صدها عراقی یمنی نظامیانی از دیگر کشورها در اطراف جولان اشغالی در جنوب سوریه داشت. به نظر می‌رسد با گذشت زمان تعداد این نیروها به هزاران یا شاید ده‌ها هزار نفر رسیده است.

در همین رابطه روزنامه عبری «هآرتص» گزارش کرده ارتش رژیم صهیونیستی به شدت نگران ورود حدود ۴۰ هزار تن از کشورهای عربی سوریه، عراق و یمن به جولان است. هآرتص به نقل از مسئولان امنیتی رژیم صهیونیستی نوشته: «این نیروها در جولان منتظر صدور دستوری از نضرائه خواهند بود و با وجود اینکه آنها از نیروهای ویژه‌نیستند اما شرایط همچنان نگران‌کننده است». حضور این نیروها در جولان را باید با طرح حمله زمینی رژیم صهیونیستی به لبنان که چندنی قبل توسط روزنامه الاخبار لبنان افشا شد، مورد بررسی قرار داد. الاخبار که نزدیک به مقاومت تلقی می‌شود، گزارش کرده یکی از طرح‌های رژیم برای حمله به جنوب لبنان، تهاجم از مسیر سوریه است. در این طرح، نیروهای ارتش رژیم صهیونیستی وارد جنوب سوریه می‌شوند تا ارتباط لبنان با خط تدارکاتسانی محور مقاومت را قطع کنند. در گام دوم، ارتش رژیم از طریق خاک سوریه خود را به منطقه بقاع لبنان می‌رساند تا مسیر مواصلاتی میان شمال و مرکز این کشور یا جنوب را قطع کند. به‌زعم صهیونیست‌ها با قطع خط تدارکاتی محور مقاومت به لبنان در سوریه و همچنین مسدودسازی مسیر ارتباطی جنوب لبنان، آنها می‌توانند حزب‌الله را در این منطقه سرکوب کنند.

در برابر این طرح اما هزاران یمنی، عراقی و سوری در جنوب سوریه تجمع کرده‌اند تا هرگونه حمله زمینی به جنوب لبنان را خنثی کنند. حضور این یگان‌ها در سوریه حمله رژیم به این کشور را دشوار می‌کند. با این حال اگر تل‌آویو به سمت طرح خود برای حمله به لبنان از مسیر جنوب سوریه برود، همزمان ضمن مواجهه با نیروهای مقاومت در جنوب این کشور، با حمله مقاومت لبنان به الحلیل مواجه خواهد شد. اگر صهیونیست‌ها تصمیم بگیرند بدون حمله به سوریه، مستقیماً به جنوب لبنان حمله کنند، آنگاه نیروهای تجمع‌کننده در سوریه به جولان اشغالی یورش خواهند برد. تل‌آویو در دواهی قرار گرفته است؛ مبادرت رژیم به جنگ، الحلیل یا جولان را در معرض تهاجم در جبهه‌ای ثانویه قرار می‌دهد.

عراق، مرجعیت و ۴۰ هزار نیروی آماده

در بیانیه‌ای که صبح چهارشنبه منتشر شد، مقاومت اسلامی در عراق مسئولیت بر تباب یک موشک کروز «الْأُرب» به سمت یک هدف مهم در شمال فلسطین اشغالی را برعهده گرفت. این اقدام کمی پس از آن صورت گرفت که این گروه از حمله‌ای جداگانه با استفاده از پهپاد به هدفی در نزدیکی دروازه این داده بود. مقاومت عراق می‌گوید این حملات در حمایت از مردم فلسطین و در پاسخ به «جنایات» رژیم صهیونیستی علیه غیرنظامیان انجام می‌شوند.

در همین حال، ارتش رژیم صهیونیستی تأیید کرد که بر تباب یک پهپاد از سمت شرق راشناسایی کرده که در منطقه‌ای مرعیه در جنوب رژیم صهیونیستی سقوط کرده است. رسانه‌های صهیونیستی از آتش سوزی در محل سقوط این پهپاد خبر دادند و اعلام کردند تیم‌های امداد و آتش‌نشانی برای مهار آتش سوزی به منطقه اعزام شده‌اند. اما جزئیاتی درباره میزان خسارات یا تلفات احتمالی منتشر نشد. با شدت گرفتن درگیری‌ها در شمال سرزمین‌های اشغالی و حملات رژیم صهیونیستی به لبنان، احتمال فعال شدن جبهه‌های دیگر، ازجمله عراق افزایش یافته است. به‌ویژه گزارش‌ها حاکی است که ۴۰ هزار نفر از نیروهای عضو محور مقاومت درحال آماده شدن برای پیوستن به حزب‌الله در جنگ با رژیم صهیونیستی‌اند.

این شرایط پرسش‌های مهمی را درباره آینده محور مقاومت در منطقه مطرح می‌کند. این ائتلاف که در جریان مبارزه با داعش در عراق و سوریه قدرت گرفت، نشان داده اتحاد موفق‌ی گروه‌های مختلف در یک جنگ گسترده به‌وجود آورده است. آیا اکنون این ائتلاف می‌تواند در مواجهه با رژیم صهیونیستی، در صورت گسترش جنگ در منطقه، دوباره متحد شود؟ علاوه بر این، مسأله مهم دیگری که مطرح می‌شود، امکان صدور فتوای جهاد از سوی مراجع دینی منطقه است. پیش از این آیت‌الله سیستانی در عراق با صدور فتوای جهاد علیه داعش، بیسج مردمی علیه داعش را شکل داد. بررسی مهم در صورت فراگیر شدن جنگ با رژیم صهیونیستی و تبدیل شدن آن به یک جنگ منطقه‌ای این است که آیا‌شاهد صدور فتوای جهاد مشابهی خواهیم بود؟ پرسشی که پاسخ آن می‌تواند به‌طور قابل توجهی چشم‌انداز این جنگ را تغییر دهد.

قهر بودن، مخالفت با نظم سیاسی نظام سلطه است، این حرف درست است و ما همچون اول انقلاب با نظام سلطه که امروز غربی‌ها و در رأس آنها آمریکا قرار دارد، صریحاً مخالفیم و این مخالفت را اعلام می‌کنیم.»
این مواضع نشان می‌دهد، با توجه به نیازهای ایران و همچنین نحوه عملکرد غرب، تهران‌با سه روابط با غرب نیاز دارد و نه از گفت‌وگوهای کنونی توقعی در این باره دارد. بر این اساس به نظر می‌رسد، مأموریت و محدوده عمل هیأت ایرانی در نیویورک، صرفاً کاهش تنش‌هاست. اصرار ایران بر کاهش تنش‌ها در برهه کنونی، نخست بر خنثی‌سازی توطئه صهیونیسم جهانی و نتانیاوو برای ایجاد جنگ گسترده بوده و آن را ناکام می‌گذارد و در وهله دوم، مانع از مقصر جلوه دادن تهران می‌شود. رهبر انقلاب در زمینه توطئه صهیونیسم جهانی برای گسترش جنگ اعلام کرده‌اند: «آمریکای گوید دخالتی نداریم و خبر نداریم اما هم خبر دارند و هم دخالت می‌کنند. دولت فعلی آمریکا به پیروزی رژیم صهیونیسم در انتخابات پیش‌رو نیاز دارد.»

روابط خارجی با وجود نفی نظام سلطه چگونه است؟
نفی نظام سلطه و شورش علیه آن توسط جمهوری اسلامی ایران باعث شده تا فشارهای مختلفی در چهار دهه اخیر از سوی زورگویان به رهبری واشنگتن، باعث تهران باشد تا به دنبال بروز فعل و انفعالات در روابط دورنی قدرت‌های بزرگ، مورد تهاجم قرار گرفت، ابتدا محدود و سپس سرنگون شد.
رهبر معظم انقلاب در مقطعی دیگر در ۲۷ مهرماه ۱۴۰۱ در تبیین مفهوم نظامی سلطه می‌فرمایدند: «نظام سلطه یعنی دنیا تقسیم بشود به سلطه‌گر و سلطه‌پذیر. یک عده حتمتاً بایستی قدرتمندانه بر همه دنیا حکمرانی کنند. کشورهای دیگری هم بایستی زیرپوشش‌های مختلف از اینها اطاعت کنند؛ این نظام سلطه است. این نظام سلطه را پیشرفت علمی اروپا به وجود آورد.» بیان این مفاهیم در مقاطع مختلف نشان می‌دهد. ضحیت با نظام سلطه ابهیتی غیرقابل اغماض برای جمهوری اسلامی ایران دارد و هرلحظه چه در دوره‌های تنش و چه در دوره‌های تردید، بر آن تأکید می‌کند.

هم‌کار با دنیا هم اعتراض به نظم ظالمانه

قطعنامه ۵۹۸ را که نسبت به دیگر قطعنامه‌ها حاوی نکاتی مدنظر تهران بود، پذیرفت. بر مبنای همین قطعنامه، جنگ تحمیلی هشت ساله پایان یافت و عراق به‌عنوان طرف متجاوز شناخته شد. بعد از این اقدام رابهردی ایران، رژیم بعث عراق به دنبال بروز فعل و انفعالات در روابط دورنی قدرت‌های بزرگ، مورد تهاجم قرار گرفت، ابتدا محدود و سپس سرنگون شد.

رهبر معظم انقلاب در مقطعی دیگر در ۲۷ مهرماه ۱۴۰۱ در تبیین مفهوم نظامی سلطه می‌فرمایدند: «نظام سلطه یعنی دنیا تقسیم بشود به سلطه‌گر و سلطه‌پذیر. یک عده حتمتاً بایستی قدرتمندانه بر همه دنیا حکمرانی کنند. کشورهای دیگری هم بایستی زیرپوشش‌های مختلف از اینها اطاعت کنند؛ این نظام سلطه است. این نظام سلطه را پیشرفت علمی اروپا به وجود آورد.» بیان این مفاهیم در مقاطع مختلف نشان می‌دهد. ضحیت با نظام سلطه ابهیتی غیرقابل اغماض برای جمهوری اسلامی ایران دارد و هرلحظه چه در دوره‌های تنش و چه در دوره‌های تردید، بر آن تأکید می‌کند.

ادامه از صفحه یک

مغزسخن

رهبر انقلاب از سالیان نخستین تشکیل جمهوری اسلامی، به دفعات منظور توجه از مخالفت با سلطه را تکرار کرده‌اند. آیت‌الله‌سیدعلی خامنه‌ای، سخنانی را که روز گذشته، چهارم ماه مهر ۱۴۰۳ بیان کردند، در چهار دهه گذشته به شکلی تقریباً ساده و یکسان، تکرار و بر مفهومش تأکید کرده‌اند. ایشان در روز ۲۵ تیر ۱۳۶۸ به موضوع نظام سلطه پرداخته و می‌گویند: «امروز در دنیا نظام سلطه حاکم است. این یک نظام جهانی است. تسلط نظام سلطه بر دنیا و زندگی بشر، دو طرف دارد. یک طرف، سلطه‌گرا که همان ابرقدرت‌هایند و طرف دیگر، دولت‌های سلطه‌پذیرند که دخالت‌های وقیحانه و گستاخانه ابرقدرت‌ها را قبول می‌کنند.» تاریخ این سخنرانی که در فضای پذیرش قطعنامه ۵۹۸ انجام شد، حکایت از بروز تردید در میان بخشی از افکار عمومی نسبت به مواضع جمهوری اسلامی درخصوص پایان جنگ دارد. ایران در روز بعد